

اوستادِ اوستادان، عابدی*

اکبر ثبوت*

در تاریخ ملل پیشرفته، گه‌گاه با چهره‌های کم‌نظیری مواجه می‌شویم که علاوه بر همگامی با عالمان دیگر در افزودن بر گنجینهٔ معارف انسانی، نقش‌های استثنائی در مصون داشتن کیان فرهنگ قومی خود از گزند حوادث ایفا کرده‌اند و برگردن اهل فرهنگ و پرورش یافتگان در دامن آن، حقی مضاعف دارند - حق ابقا و زنده نگاه داشتن سرمایهٔ معنوی ایشان و جلوگیری از نابودی آن.

استاد محترم جناب آقای پروفیسور عابدی از بزرگانی هستند که در میان اصحاب فرهنگ فارسی در هند، چنین جایگاهی دارند. درخت تناور فارسی در سرزمین پهناور شبه قاره، که در طول بیش از هزار سال شکوفه‌ها و ثمرات دلپذیری همچون سروده‌های دل‌انگیز و شیرین خسرو و بیدل و غالب به‌بار آورد، پس از تسلط بیگانگان بر این دیار، رو به خشک شدن نهاد و پس از قطع سلطهٔ ایشان نیز چون عوامل بازگشت به‌ادوار پیشین وجود نداشت، همچنان ستارهٔ فارسی رو به افول بود تا دو سه تن که برجسته‌ترین ایشان پروفیسور عابدی بود، دامن همّت بر کمر زدند و از راه‌های مختلف کوشیدند و روحی تازه در پیکر فارسی در هند دمیدند - با نگارش و تصحیح و ترجمه و انتشار کتابها و مقالات و ایراد خطابه‌ها، به‌زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی، با واداشتن دیگران به‌فعالیت در همین موارد، با سرمشق قرار دادن خویش در مقام تعلیم و تعلّم و پژوهشگری و تألیف، با تربیت معلّمان و استادان و مؤلفان دانشمند که نمونهٔ کار آنان

♦ این مطلب به‌مناسبت هشتادمین سالروز ولادت استاد عابدی نوشته شده بود.
* مدیر پیشین مرکز تحقیقات فارسی رایزنی جمهوری اسلامی ایران - دهلی‌نو.

نزدیک ۲۵ رساله دکتراست که زیر نظر و با راهنمایی پروفیسور عابدی نگارش یافته و در هریک از آنها فصلی از تاریخ ادبیات فارسی در هند به گفتگو نهاده شده است - علاوه بر آنچه با راهنمایی و زیر نظر شاگردان استاد تألیف گردیده یا زیر نظر ایشان و شاگردانشان به عنوان رساله پیش دکترا تألیف شده است... - بدین گونه، استاد با دهها سال تلاش خستگی ناپذیر، دلبستگان به فرهنگ فارسی در هند و بلکه قاطبه فارسی دوستان و علاقه‌مندان به فرهنگ و معرفت را رهین منت و احسان خویش نمودند و آنچه در این مورد با دست توانای ایشان انجام گرفت، بسی بیش از آن است که در این گفتار کوتاه تواند گنجید و من ناگزیر به اشارتی در یک مورد بسنده می‌کنم و می‌گذرم.

می‌دانیم که بخش معتناهی از آثار فارسی که در هند پدید آمده، همانهاست که به قصد معرفی ادبیات هند باستان و ارائه قصص و اساطیر آن و فرهنگ و معارف هندوئی تألیف و ترجمه شده و فرآورد اندیشه و قلم بزرگانی همچون عبدالقادر بدایونی، داراشکوه و دبیران او، گورو نانک، نظام پانی پتی، فیضی، ابوالفضل علمای، مصطفی هاشمی عباسی، عاقل خان رازی و سعدالله پانی پتی است و به دستور شهریارانی همچون زین‌العابدین سلطان کشمیر و اکبر و جهانگیر فراهم آمده و به نام ایشان آراسته گردیده است. این آثار به یک اعتبار (از لحاظ زبانی) قسمتی از سرمایه فرهنگی ایرانیان است، و به اعتبار دیگر بخشی از میراث فرهنگی هند اسلامی و غیراسلامی است (اسلامی به لحاظ زبان و دوره‌ای که در آن پدید آمده‌اند و غیراسلامی از حیث محتوای آنها که الهام گرفته از فرهنگ و حکمت هند غیراسلامی است) و هریک از آنها سندی استوار است بر پیشینه دیرینه گفتگوی فرهنگها در میان دو ملت بزرگ ایران و هند. و کسی که در عصر ما بیشترین تلاش را برای عرضه و انتشار آنها به صورت مصحح و منقح به خرج داد استاد عابدی است. بیش از سی سال قبل من ترجمه «جوگ بشست» از کتب مهم دینی و فلسفی هندوان را که به دستور داراشکوه به فارسی فراهم آمده بود و با اهتمام فقید دکتر تارا چند و پروفیسور عابدی انتشار یافت خواندم و از مقدمه محققانه و مفصل عابدی بر این کتاب و فرهنگنامه‌ای که برای لغات سانسکریت و هندی به پیوست آن منتشر کرده‌اند بهره بسیار بردم و از کوشش‌های ایشان برای عرضه این بخش از گنجینه‌های فرهنگی ایران و هند سخت مشعوف شدم. از آن پس نیز

مستمرآ در جریان فعالیت‌های استاد در این صحنه بوده‌ام و بخش عظیمی از اطلاعات ناقص خود درباره فرهنگ و معارف هند غیراسلامی را مرهون کتابهایی می‌دانم که ایشان با آن شیوه عالمانه تصحیح و منتشر کرده‌اند - از نمایشنامه ویکرم آروشی که ترجمه آن از سانسکریت به قلم استاد عابدی انجام گرفته، و داستان و نمایشنامه گلزار حال (طلوع قمر معرفت) که یکی از منشیان داراشکوه از سانسکریت به فارسی ترجمه کرده و موضوع آن که مبارزه میان نیکی و بدی و پیروزی نهائی نیکی بر بدی است شباهت تامی با مبانی آئین زرتشت، کیش ایرانیان پیش از اسلام، دارد و به وسیله پروفیسور عابدی و تاراچند فقید تصحیح و چاپ شده است؛ همچنین ترجمه داستان عرفانی هندی پدماوت که با یک مقدمه تحقیقی از استاد عابدی انتشار یافته؛ و «پنجاکیانه» که ترجمه قدیمی یک اثر کلاسیک هندی از سانسکریت به فارسی است و پروفیسور عابدی با یک مقدمه تحقیقی و یک فرهنگ لغات سانسکریت و هندی منتشر کرده؛ و قصه مینا و لورک و ترجمه کتاسرست ساگر موسوم به دریای اسمار که متن آن قدیمی‌ترین مجموعه داستانهای موجود در جهان است و ترجمه آن با تصحیح و مقدمه فقید تارا چند و پروفیسور عابدی چند سال پیش انتشار یافت - افزون بر دهها مقاله‌ای که استاد در همین باب نوشته‌اند - می‌بینید که حاصل کار استاد عابدی تنها در این صحنه چندان فراوان و پرارزش است که اگر هم به کاری جز این نمی‌پرداخت؛ کارنامه‌ای درخشان داشت؛ چه رسد که ایشان در بسیاری از صحنه‌های دیگر نیز آثاری عرضه نموده که ارزش هیچ یک از آنها کمتر از آنچه مذکور افتاد نیست و برای گفتگو در پیرامون هریک، مقاله جداگانه‌ای لازم است. سخن را با تبریک هشتادمین سالروز تولد استاد عابدی خاتمه می‌دهم و آرزوی خود و همه دل‌بستگان فارسی را در این بیت خلاصه می‌کنم:

هشتاد سال کشتی در کشتزار علم هشتاد سال باش که از کشته بدروی